

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۲

جمعه ۳۰ خرداد ۱۳۹۳، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

شرم هم چیز خوبی ست!

بحران عراق و دغدغه "عتبات مقدسه"

اقتصاد بهم ریخته ایران و فاکتور
اعتراضات مردم!

جمهوری اسلامی، داعش به عقب رانده شده است!

صفحه ۶

به کمک مالی شما نیاز داریم!

کمپین دوماهه برای تامین

۱۰۰ هزار دلار

صفحه ۷

اعتراض دانشجویان دانشگاه

مراغه به خشکاندن دریاچه ارومیه

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

تعقیب قضایی سعید ترابیان

مسئول روابط عمومی سندیکای

کارگران شرکت واحد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۸

۲۰ ژوئن، ۳۰ خرداد، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۱۴

اوضاع جدید در عراق و منطقه

گفتگو با حمید تقوایی

جنگ سرد بود، تعادل و تناسب قوای سنتی در خاورمیانه را به هم ریخت و میدان را برای ابراز وجود و عرض اندام نیروهای رنگارنگ مذهبی و قومی و عشیرتی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه فراهم آورد. این نیروها که در دکترین نظم نوین جهان بعنوان "دموکراسی" نوع

صفحه ۲

ریخته خاورمیانه و مشخصا از هم پاشیدگی شیرازه جامعه در عراق در اثر تهاجم نظامی آمریکا است. زمیننه و فضای سیاسی شکل گیری داعش و بجلو رانده شدن آن را حمله آمریکا و متحدینش به عراق در سال ۲۰۰۳ فراهم آورده است. این تهاجم نظامی که خود جزئی از استراتژی تامین هژمونی دولت آمریکا بر جهان بعد از

انترناسیونال: حمله و پیشرویهای برق آسای گروه داعش طی ده روز گذشته اوضاع عراق و منطقه را با وضعیت جدیدی روبرو ساخته است. بنظر شما چه واقعیات و عواملی باعث بمیدان آمدن داعش و تحولات اخیر شده است؟

حمید تقوایی: داعش محصول وضعیت سیاسی بهم

صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان باشیم

گفتگو با شیوا محبوبی سخنگو و

سرور کاردار مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۹

عملکرد ده ماهه دولت روحانی و

طرح "حمایت غذائی اقشار کم درآمد"

شهلا دانشفر

صفحه ۴

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود

گفتگو رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

۲۰ سال پس از ۳۰ خرداد ۶۰

صفحه ۱۲

اوضاع جدید در عراق و منطقه

گفتگو با حمید تقوائی



لویا جرگه، چهره‌ها و جنبشهای سیاسی در جوامع موزائیک، و دولتهای قومی - ملی - مذهبی در دوره پسا جنگ سرد نقش تازه ای یافته و بجلو رانده شده بودند، نه تنها در عراق بلکه در افغانستان و پاکستان و سوریه و بخشا در فلسطین میداندار شدند و زندگی توده های مردم را به تباهی کشاندند. داعش یکی از هارترین و وحشی ترین این نیروها است.

اوضاع عراق - و از سه سال قبل در سوریه - بعنوان ابزار دولتها ی محلی - مشخصا جمهوری اسلامی، عربستان، ترکیه، قطر و سایر دولتهای امارات متحده عربی - به کار گرفته میشوند.

انترناسیونال: به نظر شما چرا داعش توانست به این سرعت پیشروی کند؟

حمید تقوائی: علت اصلی پیشرویهای داعش بن بست همه جانبه ای است که مدتهاست دولت مالکی، و کلا غرب در رابطه با مساله حکومت در عراق، با آن روبروست. بحران امروز عراق ناشی از پیشرویهای نظامی داعش نیست بلکه بر عکس، پیشرویهای داعش بر زمینه بحران همه جانبه حکومتی در عراق ممکن شده است. یک جامعه درهم ریخته شده و توده مردم به ستوه آمده از کشتار و تروریسم و نا امنی، نارضائی و مخالفت نیروهای سنی و حتی برخی از موتلفین شیعی دولت مالکی، و بالاخره ناتوانی آشکار دولت آمریکا و نیروهای متحدش در بازگرداندن حداقلی از مدنیت و ثبات به جامعه و وخیم تر شدن روزبروز اوضاع، همه اینها زمینه های پیشروی برق آسای داعش را که بیش از یکسال است در مناطق سنی نشین عراق فعال است، فراهم آورد. در این رابطه دو نکته را باید در نظر داشت. نکته اول اینکه پیشرویهای سریع و برق آسای داعش در اثر جنگ با ارتش عراق حاصل نشد. ارتش در برابر داعش به سرعت عقب نشست و به هزیمت افتاد و مناطق و شهرهایی که تحت کنترل داعش است عملا بدون جنگ به تصرف در آمده است. نکته دوم اینست که نیروهای دیگری از جمله ناسیونالیستها و

کشمکش میان دولتهای منطقه ای - عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و ترکیه و رژیم اسد - و بر متن شرایطی که سیاستهای غرب و آمریکا در منطقه فراهم کرده است میدانی برای ابراز وجود یافته است.

به نظر من ناکامی های سیاستهای هژمونی طلبانه غرب، عقب رانده شدن میلیتاریسم نئو کنسرواتیستی، و بخصوص انقلابات موسوم به بهار عرب به دوره جنگ تروریستها و عرض اندام اسلام ضد آمریکائی در دهه اول قرن حاضر پایان داد. تروریسم اسلامی نوع داعش حاصل سرآمدن ارزش مصرف اسلام ضد آمریکائی از یکسو و نا فرجامی انقلابات بهار عرب و بویژه وضعیت سوریه از سوی دیگر است.

این تفاوت میان نقش و کاربرد نیروهای اسلامی در دوره های مختلف البته در ماهیت ارتجاعی و ضد انسانی آنها تغییری نمیدهد. داعش مظهر ناب و خالص و نماینده اصیل و منسجم توحش و زن ستیزی و ضدیت با فرهنگ و تمدن و مدرنیسم است که وجه مشترک همه دولتها و نیروهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی و طالبان و القاعده و عربستان سعودی را تشکیل میدهد.

انترناسیونال: آیا به نظر شما داعش میتواند حکومت کند؟ آیا از توانائی و خصوصیات تشکیل دولت و اداره جامعه برخوردار است؟

حمید تقوائی: به نظر من داعش یک نیروی ویرانگر است و نه یک نیروی قادر به حکومت کردن و حتی قادر به بقا و ادامه زندگی در یک جامعه متعارف. داعش یک نیروی هار و وحشی و ضد جامعه است که تنها میتواند نقشی مقطعی در از هم گسیختن شیرازه جامعه داشته باشد. نیروی که وجه مشخصه اش براه انداختن حمام خون و نسل کشی و از دم تیغ گذراندن مردم است، تنها به کار مرعوب کردن جامعه می آید و بر خلاف اسم "دولت

عراق و شام" نه قابلیت حکومت کردن دارد - حال حکومتی به هر اندازه ارتجاعی و عقب افتاده - و نه حتی میتواند تصویر و چشم اندازی از جامعه و نوع نظام و حکومتی که بتواند حتی یک هفته دوام بیاورد به کسی عرضه کند. به گلوله بستن عابرین و مردم عادی در خیابانها و کشتار جمعی صدها نفر از دانشجویان و کلا قتل عام همه کسانی که در ایدئولوژی اسلامی داعش کافر و مرتد محسوب میشوند، حذف زنان از جامعه و تخریب و ویران کردن هر نشانه ای از تمدن و مدنیت و در یک کلام توحش و جنون جنایت و ویرانگری ای که داعش مظهر آنست، خصوصیات یک نیروی سیاسی قادر و یا حتی مایل به حکومت و اداره جامعه نیست، خصوصیت نیروی است که بخاطر و در پی اهداف سیاسی دیگری قلاوه اش را رها کرده اند و مانند یک سگ هار بجان جامعه انداخته اند.

انترناسیونال: در بسیاری از تحلیل ها، از همدستی بازمانده های حکومت بعث با داعش صحبت می شود. شما هم در صحبتهایتان بعنوان یکی از دلایل پیشرویهای سریع نظامی داعش به این موضوع اشاره کردید. اینجا این سؤال مطرح میشود که آیا این احتمال وجود دارد که این نیروها بقدرت باز گردند؟ آیا داعش میتواند مانند تسه نقاله بقدرت رسیدن این نیروها در عراق عمل کند؟

حمید تقوائی: امکان بازگشتن بازماندگان حکومت صدام و بعثیستها به قدرت منتفی است، ولی اینکه ناسیونالیسم عرب تحت عنوان و زیر پرچمهای دیگری نقش فعال تری در تحولات عراق ایفا کند امر احتمالی است. در شرایط حاضر ناسیونالیسم عرب میتواند در قالب یک نیروی متحد کننده و نماینده وحدت ملی در عراق وارد میدان بشود. هم اکنون ایاد علاوی رئیس حزب ائتلاف ملی خواستار نشستی از همه نیروهای سیاسی در عراق و

اوضاع جدید در عراق و منطقه

گفتگو با حمید تقوائی

کردستان در يك عراق بهم ریخته و آشوب زده کسب خواهد کرد. کردستان عراق در دوره بعد از صدام نسبت به مناطق دیگر عراق وضعیت آرام تر و متعارف تری داشته است و جنگ شیعی - سنی و قبیله ای عشیرتی که در عراق در حال گرفتن است بیش

تشکیل دولت وحدت ملی شده است. این حرکت در راستای موضع اوباما مبنی بر مشروط کردن هر نوع کمکی به نوعی همکاری بین همه نیروهای قومی و مذهبی در عراق قرار دارد. این شرایط زمینه بیشتری برای عرض اندام نیروهای نظیر علای و حزب ائتلاف ملی و جلب نظر غرب به این نیروها فراهم میکند، اما به نظر من نمیتواند به حل بحران عراق منجر بشود. نفرت و خصومت مذهبی و قومی و عشیرتی بیش از آن در جامعه عمیق و گسترده شده است که این نوع تلاشهای ناسیونالیستی بجائی برسد. آمریکا و غرب و ناسیونالیسم عرب خود جزئی از صورت مساله عراق هستند و نه راه حل آن.

انترناسیونال: پیشروی

داعش و عقب نشینی نیروهای نظامی دولت مرکزی عراق در عین حال به حکومت اقلیم کردستان عراق این فرصت را داد که موقعیت خود را در مناطقی که سالها مورد مناقشه بین آن و دولت مرکزی بوده - مانند شهر نفت خیز کرکوک - تحکیم و گسترش دهد. بنظر شما، وضعیت حاضر چه تاثیری بر موقعیت حکومت اقلیم کردستان می گذارد؟ آیا با این تحولات، احتمال تشکیل يك حکومت کاملاً مستقل کردستانی افزایش پیدا کرده است؟

حمید تقوائی: نیروهای

ناسیونالیست کرد و دولت اقلیم کردستان یکی از برندگان تحولات اخیر هستند. نه صرفاً از نظر تسلط بر مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی که به آن اشاره کردید بلکه بیشتر از نظر موقعیت و وضعیت سیاسی برجسته ای که "حکومت با ثبات"

ندارد بلکه مساله ای منطقه ایست و پای دولتهائی نظیر ترکیه و جمهوری اسلامی که فی الحال دولت اقلیم کردستان با آنها مناسبات نزدیکی دارد را نیز بمیان میکشد. همانطور که اشاره کردم شرایط فعلی باعث میشود تا نیروهای ناسیونالیست کرد و دولت اقلیم کردستان در محاسبات و مناسبات آمریکا و غرب و دیگر نیروهای منطقه ای جایگاه مهمتر و جدی تری پیدا کنند. هر نوع سیاست و جهت گیری ای به سمت استقلال و تشکیل يك دولت مستقل کرد در منطقه این جایگاه را به خطر

سیاسی عراق و بازگرداندن آن به شرایط پیش از سر بلند کردن داعش، بلکه استفاده از تحولات اخیر در جهت برون رفت از بن بست است که مدتهاست در عراق و خاورمیانه با آن روبروست.

آمریکا از داعش حمایت نمیکند اما مدافع دولت مالکی و خواهان حفظ او در قدرت نیز نیست. اوباما در اولین اظهار نظرش درباره تحولات اخیر اعلام کرد که هر نوع اقدام آمریکا در حمایت از دولت عراق مشروط به همبستگی و نمایندگی شدن همه نیروهای سیاسی در حکومت



آمریکا امیدوار است تحولات اخیر سرانجام - از جمله و بویژه با تضعیف موقعیت و به عقب راندن جمهوری اسلامی در عراق و در نتیجه در منطقه - به وضعیت با ثبات تر و قابل کنترل تری برای آمریکا و متحدین غربی اش منجر بشود. به این معنی برای آمریکا هم، داعش نقشی ابزاری و گذرا ایفا میکند. اما در يك سطح عمومی و پایه ای تر، تحولات اخیر را میتوان نقطه عطفی در رابطه بین آمریکا و وضعیت سیاسی عراق به شمار آورد. نقطه عطفی که آمریکا را از بازیگر اصلی و کنترل کننده اوضاع عراق به تنها یکی از نیروهای دخیل که شرایط و دامنه نفوذ و ایفای نقشش به تناسب قوای دیگر نیروها وابسته است تبدیل میکند. میتوان گفت که جایگاه عراق در چهارچوب سیاستهای آمریکا از موقعیت مصر به موقعیت سوریه تغییر میکند. البته در مثل مناقشه نیست. روشن است تفاوتهای زیادی بین وضعیت عراق با مصر و سوریه وجود دارد ولی از نقطه نظر وزن و ثقل فاکتور آمریکا در وضعیت سیاسی و تحولات، وضعیت عراق به شرایط امروز سوریه نزدیک تر میشود.

انترناسیونال: تاثیر

وضعیت حاضر بر موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و در رابطه اش با غرب را چگونه ارزیابی می کنید؟

حمید تقوائی: جمهوری

اسلامی يك بازنده اصلی این شرایط است. در نظر اول چنین به نظر میرسد که بحران عراق بر وضعیت جمهوری اسلامی تاثیر دو گانه ای دارد. از یکسو بمیدان آمدن يك نیروی هار و ویرانگری که در جنایت و توحش روی طالبان و القاعده را سفید کرده است، باعث میشود جمهوری اسلامی در مقایسه حکومتی معتدل و قابل تحمل به نظر برسد، و از سوی دیگر پیشرویهای داعش بعنوان يك نیروی کارگزار و مورد حمایت عربستان سعودی عراق را از

خواهد انداخت.

انترناسیونال: سیاست

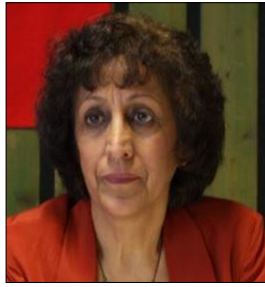
غرب و مشخصاً آمریکا در قبال تحولات اخیر در عراق چیست؟

حمید تقوائی: همانطور که

بالاتر اشاره کردم تحولات اخیر بر زمینه بن بست دولت و کلا بحران حکومتی در عراق صورت میگيرد. روند خودسری و سرپیچی نیروهای مختلف محلی در کمپ غرب، و حتی دولت مالکی، از سیاستها و توصیه های آمریکا از مدتها قبل شروع شده بود و تحولات اخیر فرجام این روند است. این به معنی شکست و بن بست سیاستهای آمریکا در عراق - و در سطح کلی تری در خاورمیانه - است. برمتن چنین شرایطی تلاش دولت آمریکا نه احیای وضعیت

عملکرد ده ماهه دولت روحانی و طرح "حمایت غذائی اقشار کم درآمد"

شهلا دانشفر



با خواست "یا کار یا بیمه بیکاری" و بیمه بیکاری در سطح تامین یک زندگی شایسته انسانی است.

در آخر بد نیست نگاهی هم به عملکرد یکساله و یا بقول جناب نوبخت ده ماهه دولت روحانی داشته باشیم.

عملکرد یکساله دولت روحانی، ادامه عملکرد سی و چند سال حاکمیت رژیم اسلامی و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کارگران و کل جامعه است.

عملکرد یکساله دولت روحانی ادامه اجرای طرح هدفمند کردن یارانه های رژیم اسلامی و تحمیل گرانی بیشتر و افزایش سرسام آور قیمت ها است.

عملکرد یکساله دولت روحانی تعیین حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر ۶۰۸ هزار تومانی بر کارگران و پایین آمدن سطح معیشت کل جامعه است.

عملکرد یک ساله دولت روحانی بیکارسازی بیش از ۱ میلیون و چهارصد هزار نفر از کار در سه ماهه پاییز گذشته و به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات بیشتر و در معرض بیکاری قرار گرفتن هزاران کارگر است.

نویشان نیز سونامی بیکاری ده میلیونی و بحران بیکاری جوانان است.

عملکرد یکساله دولت روحانی بالا رفتن هر روزه خط فقر و کشیده شدن زنان بیشتری به تن فروشی، اضافه شدن بر تعداد انسانهایی که نیاز به فروش کلیه خود برای تهیه لقمه نانی دارند، خارج شدن تعداد بیشتری کودک از چرخه تحصیل و اضافه شدن بر تعداد کودکان کار و خیابان و به اعتیاد کشیدن بیشتر جوانان است.

بعلاوه برای پیاده کردن طرحهای ریاضت اقتصادی حکومت و تهاجم هر روزه آن به زندگی و معیشت کارگران، عملکرد یکساله دولت روحانی شدت دادن به چرخ ماشینی سرکوب حکومت، شکستن رکورد اعداها و کارنامه ای با بیش از ۷۰۰ اعدام است.

خلاصه کلام اینکه عملکرد

تبدیل شد، تا جائیکه به نزاع شدیدی در درون خود حکومت منجر شد و از وحشت تبدیل صف های مردم برای گرفتن سبد کالائی شان به صف های اعتراض علیه فقر و گرانی، مجبور شدند فوراً جمعشان کنند. اکنون نیز جناب نوبخت از طرح "حمایت غذائی" برای اقشار کم درآمد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی، و صدقه دادن به مردمی که از هر گونه معاش و تأمین محرومند سخن میگوید.

کارگران و مردم به جان آمده از فقر و گرسنگی خواستار افزایش دستمزدها و حقوقهایشان هستند. جانیان اسلامی و سخنگویشان نوبخت با صدقه دادن به محرومترین بخش های جامعه، میکوشند فضای اعتراض را بخوابانند. و در پاسخ کارگری که خواهان افزایش دستمزدها در سطح یک زندگی انسانی و متناسب با رشد سرسام آور قیمت ها و تورم است، وعده پوچ کنترل و نظارت بر بازار را میدهند.

پاسخ نوبخت و دولت روحانی پیوستن هر چه بیشتر به صف مبارزه برای خواست فوری افزایش دستمزدها و از جمله پیوستن به طومار ۴۰ هزار کارگری است که این پرچم را به دست گرفته اند. پاسخ نوبخت و دولت روحانی پیوستن پرستاران در تمام شهرها به اعتراضی است که هم اکنون در جریان است، آنهم با خواست روشن و مشخص افزایش سطح دستمزد کنونی.

پاسخ نوبخت به میدان آمدن معلمان با خواست افزایش فوری سطح حقوق و برخورداری از یک زندگی انسانی است. پاسخ نوبخت به میدان آمدن میلیونها بیکار و در راس آن جوانان بیکار

معیشت مردم تدارک دیده بود، یک چاشنی بود. اما اکنون پرداخت این یارانه ها به مردم و پال گردنش شده است و مردم تا قرآن آخرش را طلب میکنند. و نه تنها این، بلکه خواستار افزایش فوری دستمزدها و دریافتی هایشان هستند. سخنان نوبخت بطور واقعی اعترافی دیگر بر شکست "طرح هدفمند کردن یارانه ها" در برابر فشار جامعه ایست که خواستهائی دارد و کوتاه نمی آید.

این چیز است که ما از آغازش پیش بینی کردیم و گفتیم بحران اقتصادی حکومت اسلامی، بحرانی اساسا سیاسی است و راه حل اقتصادی ندارد. مساله اینجاست که در شرایطی که اقتصاد جامعه به مرز فروپاشیدن رسیده است، همانطور که اشاره کردم مردم ایستاده اند و حق و حقوقشان را میخواهند و امروز بیش از هر زمان مساله اقتصاد و معیشت به جلوی صحنه سیاسی جامعه کشیده شده است. از جمله بحث بر سر موجی از اعتراض بر سر خواست افزایش دستمزدهاست که ۴۰ هزار کارگر با طوماری اعتراضی بر سر این خواست پرچمدار این مبارزه اند. پرستاران نیز هم اکنون اعتراضشان بطور واقعی برای همین خواست و به دستمزدهای زیر خط فقر است.

در برابر چنین شرایطی و هراس از "شورش گرسنگان"، رژیم اسلامی هر روز با طرحی به جلو می آید تا برای خود مفری پیدا کند. در اواخر سال گذشته طرح "سبد کالائی" را برای افرادی که کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در آمد دارند به اجرا گذاشتند و این طرح به موضوع اعتراض کل مردم به جان آمده از فقر و فلاکت حاکم بر جامعه

قیمتها آنها اقتدر نیست که بتوان تمام ۱۰ هزار میلیارد تومان را به تولید اختصاص بدهیم، اما اگر شرایط فراهم شود منابع بیشتری را در این بخش هزینه خواهیم کرد. اختصاص این رقم زمانی بود که ۴۸ هزار میلیارد تومان درآمد با توجه به افزایش قیمت حامل های انرژی داشتیم.

آخر سر هم در گفته هایش افزایش دوباره قیمت بنزین را تکذیب میکند. موضوع چیست؟ طرح "هدفمند کردن یارانه ها" طرح حذف چندرغاز سوبسیدی که به برخی از کالاهای اصلی تعلق میگرفت و کسب صد میلیارد تومان از محل افزایش کالاهای حامل انرژی برای خزانه دولت بود. نتیجه مستقیم این طرح، گرانی همه کالاها و وارد شدن شوک تورمی کمر شکن بر کل جامعه بود. در اجرای مرحله دوم "طرح هدفمند کردن یارانه ها" از آغاز سال جاری و گران شدن کالاهای حامل انرژی، طبعاً شوک تورمی دیگری بر جامعه تحمیل شد. اما برای رژیمی که میخواست با خراب کردن بار بحران بر دوش مردم، پول حاصل از اجرای این طرح را به جیب بزند، به اعتراف نوبخت تنها در همین سه ماه سال جاری ناگزیر به هزینه کردن ده هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت "یارانه های نقدی" شده است. بدین ترتیب نتیجه اجرای این طرح از یکسو گرانی سرسام آور قیمت ها و افزایش هر روزه آن، بیکارسازیهای وسیع و فلاکت بیشتر برای مردم بوده است و از سوی دیگر خالی شدن بیشتر خزانه دولت و بن بست اقتصادی حکومت اسلامی. به عبارت روشنتر برای جمهوری اسلامی پرداخت چندرغاز یارانه در قبال تهاجم وسیعی که به زندگی و

یکسال از روی کار آمدن دولت روحانی میگذرد و نوبخت معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی روحانی در نشست خبری روز دوشنبه ۲۶ خرداد از عملکرد ۱۰ ماه دولت روحانی و برنامه های آینده معاونت برنامه ریزی سخن گفت.

بخش عمده گزارش نوبخت از عملکرد "ده ماهه" دولت روحانی، گزارش شکست آن در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و مخمصه ایست که حکومت اسلامی در برابر مردم و خواستهایشان در آن گیر کرده است. راهکارش نیز با پیشروی تمام طرح "حمایت غذائی اقشار کم درآمد" یعنی طرح تحقیر مردم گرسنه و درست کردن صف گرسنگان برای گرفتن لقمه نانی از دولت است.

نوبخت میگوید: طی سه مرحله حدود ده هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان فقط به توزیع یارانه نقدی بین خانوارها اختصاص یافته است. در حالی که عدهای "انصراف" دادند اما در هر یک از این مراحل ۳۵۰۰ میلیارد تومان یارانه نقدی توزیع کرده ایم. او در ادامه میگوید: "با توجه به این که کل منابع حاصله ۶۲۰۰ میلیارد تومان بود و ما ۱۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان را به پرداخت یارانه اختصاص دادیم، مبلغ ۴۲۰۰ میلیارد تومان باقیمانده را طبق مجوز قانون از خزانه عمومی برداشت کردیم که البته همه آن را هنوز تخصیص ندادیم."

نوبخت همچنین در مورد اختصاص ده هزار میلیارد تومان به بخش تولید، توضیح میدهد: "اختصاص این رقم زمانی بود که ۴۸ هزار میلیارد تومان درآمد با توجه به افزایش قیمت حامل های انرژی داشتیم، اما اکنون افزایش

اوضاع جدید در عراق و منطقه

گفتگو با حمید تقوائی

منطقه تحت نفوذ جمهوری اسلامی خارج میکند و جمهوری اسلامی بیش از پیش در منطقه تضعیف و به حاشیه رانده میشود. فاکتور اول امری مقطعی و گذراست. آنچه برجای میماند از دست رفتن عراق بعنوان میدان اعمال نفوذ جمهوری اسلامی و یک اهرم موثر او در تنظیم مناسبات او با غرب و دیگر قدرتهای منطقه ای است. از این نقطه نظر میتوان گفت جمهوری اسلامی یک بازنده اصلی تحولات اخیر عراق است.

تا آنجا که به رابطه جمهوری اسلامی با غرب مربوط میشود نیز این فاکتور کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق نقش تعیین کننده ای ایفا نمیکند. اعزاز نیروی های قدس به عراق و در دستور قرار دادن موضوع عراق در مذاکرات بین دو دولت و اظهارات روحانی و جان کری در مورد هم نظری و تعامل در رابطه با بحران عراق و غیره اینها همه مانورهای دیپلماتیکی است که حتی اگر به اقدامات عملی ای منجر بشود تاثیرات موقت و گذرائی خواهد داشت. واقعیت استراتژیک و پایدارتر، تضعیف بیش از پیش و به احتمال زیاد سقوط دولت مالکی و بجلو رانده شدن نیروهای سنی و وابسته به عربستان سعودی در اوضاع عراق است و این فاکتورها همه به ضرر نفوذ و موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی و در نتیجه تقویت بیشتر موضع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی عمل میکنند. این تحول حتی به آمریکا و متحدینش در مذاکرات هسته ای موقعیت قویتر و برتری خواهد داد.

انترناسیونال: دورنمای این تحولات را چگونه می بینید؟ آیا مثلا شاهد تجزیه عراق خواهیم بود؟ یا وارد دوره معینی از

در مقابله با شرایط فعلی و شکل دادن به یک آلترناتیو انقلابی در مقابل نیروهای ارتجاعی در عراق و منطقه قانلید؟

حمید تقوائی: به نظر من مهمترین وظیفه ما عبارتست از بسیج نیروهای چپ و آزادیخواه و سکولار و و توده مردم در سطح جهانی در حمایت از مردم عراق و علیه سیاستها و اهداف آمریکا و متحدینش به عنوان مسئولین اصلی شرایط فعلی در عراق و خاورمیانه و علیه کلیه نیروها و دولتهای ارتجاعی منطقه که در ایجاد شرایط فعلی در عراق دخیل و ذینفع هستند.

ما بخصوص بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران وظیفه داریم که نقش مخرب جمهوری اسلامی در عراق و همچنین سوریه را افشا کنیم و اجازه ندهیم که سربلند کردن نیروی نظیر داعش جنایات جمهوری

از صفحه ۴

که در عراق آغاز شده است بمیدان آورد. خواست محوری این حرکت میتواند قطع دست همه نیروها و دولتهای مذهبی-قومی-عشیره ای از سر مردم عراق باشد. تجربه انقلابات بهار عرب به همه مردم جهان نشان داده است که این دولتها و نیروها تماما در نقطه مقابل خواستها و آمال توده مردم قرار دارند. باید این تجربه را در اذهان مردم جهان زنده کرد و نیروی هر چه وسیعتری را علیه همه نیروهای مذهبی و عشیره ای در عراق و خاورمیانه و علیه حامیان غربی و منطقه ای شان، و در حمایت از مردم عراق بمیدان آورد.

ما پیشبرد وظایف فوق را امر عاجل خود و هر نیروی انقلابی و کمونیست میدانیم و در این راه دست همکاری و همبستگی به سمت سازمانها و احزاب چپ و انقلابی دراز میکنیم*.

عملکرد ده ماهه دولت روحانی و طرح "حمایت غذائی اقشار کم درآمد"

خلاصی فرهنگی قویتر از هر وقت شکل گرفته و به جلو می آیند. اینها همه فضای اعتراضی کل جامعه را به نمایش میگذارد. زیر فشار چنین شرایطی است که نوبخت از کارنامه "ده ماهه دولت روحانی" یعنی کارنامه شکستشان سخن میگوید.

پاسخ جناب نوبخت، جلوتر آمدن قدرتمند تر مردم با جنبش هایشان، به میدان آمدن میلیونها بیکار و در راسش جوانان بیکار، علیه بیکاری است. پاسخ جناب نوبخت متحد شدن کارگران و کل مردم حول خواستههای فوری خود از جمله افزایش دستمزدها، بیمه درمانی رایگان، تحصیل رایگان در همه سطوح تحصیلی و رفتن بسوی اعتراضاتی سراسری است. پاسخ جناب نوبخت، جمع کردن بساط چپاول و سرکوب این حکومت است*.

اسلامی در جامعه ایران و در منطقه را تحت الشعاع قرار بدهد. جمهوری اسلامی خود یک عامل موثر در سوق یافتن عراق به وضعیت فعلی است و این واقعیت را باید در مقابل انظار جهانیان قرار داد. ما وظیفه داریم و باید با تمام توان و امکانات خود تلاش کنیم که مانند مورد جنبش جهانی علیه آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی و یا جنبش ضد جنگ نیروها و مردم آزادیخواه جهان در آستانه حمله آمریکا و متحدینش به عراق، همه نیروهای آزادیخواه و چپ را در سراسر دنیا در مقابل فاجعه ای که در عراق در حال شکل گرفتن است و نیروهای مسئول و دخیل در آن بسیج کنیم و بحرکت در آوریم. میتوان نیروی مردم آزادیخواه جهان را برای اعمال فشار به دولتها و نهادهای بین المللی برای توقف فوری جنگ و کشمکش قومی-مذهبی

یکساله دولت روحانی، تداوم جهنمی است که رژیم اسلامی بر پا کرده است. مردم ساکت نایستاده اند، مردم با جنبش هایشان به جلو می آیند. در مقابل جهنمی که رژیم اسلامی بر کارگران و کل جامعه تحمیل کرده است، و از جمله طی مدت روی کار آمدن دولت روحانی، مردم با جنبش های اعتراضی خود و حول خواستههایشان گرد آمده و هر روز بیشتر سازمان می یابند و به جلو می آیند. جنبش اعتراضی کارگری هر روز گسترده تر شده و هر روز قدمی بلند تر به جلو بر می دارد. از جمله در یک ماهه اخیر هزاران کارگر در کارخانجات مختلف چون اعتصاب یکماهه ۵ هزار کارگر معدن بافق یزد، اعتراضات پرشور کارگران پروفیل ساوه، تجمعات اعتراضی کارگران

قطار شهری اهواز، پلی اکریل اصفهان، ذوب آهن اردبیل، کارگران مخابرات راه دور، هزاران کارگر مخابرات روستائی، پرستاران و دهها مرکز دیگر کارگری در اعتراض و مبارزه بوده اند و این اعتراضات هر روز گسترده تر میشود. در کنار این اعتراضات، طومار ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدهاست که جریان دارد و این جنبش مهر خود را بر روز جهانی کارگر امسال در ایران نیز کوبید. همچنین در دل چنین فضای پر جنب و جوش اعتراضی در مراکز کارگری، جنبش های اجتماعی دیگر چون جنبش علیه حجاب این پرچم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه تخریب محیط زیست، جنبش علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

شرم هم چیز خوبی ست!

"سرمشا اصلی بحران کنونی عراق سیاست های نوری مالکی است و آمریکا از دولت و مسئولان کنونی عراق راضی نیست".
هیلازی کلینتون

شرم هم چیز خوبی است! يك جامعه را به خاک و خون کشیده اند، بر خرابه های آن يك دولت دست ساز قومی - مذهبی را بر سر کار گذاشته اند و حالا با کمال وقاحت بدنبال سرمشا بحران میگردند! دولت مالکی، داعش و القاعده، و افسارگسیختگی های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و انواع نیروهای قومی و عشیره ای که درعراق امروز بمیدان آمده اند

بحران عراق و دغدغه "عتبات مقدسه"

"به همه ابرقدرتها و مزدوران و آدمکشان و تروریستها اعلام میکنیم ملت بزرگ ایران برای حراست از عظمت عتبات مقدسه کربلا، نجف، کاظمین و سامرا از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد".
روحانی در واکنش به تحولات اخیر عراق

این اظهارات حساب روحانی را از آدمکشان و تروریستها جدا نمیکند، همسخی و یکسانی آنها را نشان میدهد. "عظمت عتبات مقدسه" خود يك موضوع و بهانه و ظرف نفرت پراکنی و تفرقه افکنی و خصومت و جنگ و توحش مذهبی-عشیرتی در عراق امروز است. با این اظهارات رئیس جمهوری اسلامی رسماً به خیل این نیروها می پیوندد و آمادگی دولت متبوعه اش را برای درگیر شدن بعنوان یکی از طرفین این جنگ کثیف و خونین اعلام

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مضمند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

اقتصاد بهم ریخته ایران و فاکتور اعتراضات مردم!

"برغم کاهش برخی تحریمها علیه ایران در چند ماه گذشته، وضعیت اقتصاد ایران هنوز آشفته و بهم ریخته است". این اظهارات وزیر خزانه داری آمریکا، که به اسرائیل سفر کرده است، برای اطمینان خاطر دادن به مقامات اسرائیلی است. اما مردم ایران که قربانی این وضعیت آشفته و به هم ریخته اقتصادی هستند اطمینان خاطرشان را نه از این نوع اظهارات و یا هر نوع مناسباتی بین دولتها، بلکه از نیروی اعتراضی خود کسب میکنند. تحركات بالائی ها در واقع خود واکنشی نسبت به جامعه در تب و تاب ایران است. دولت روحانی در تلاش برای نزدیکی بیشتر به غرب و مذاکره و حل و فصل مساله هسته ای و رفع تحریمها است، اما حتی همین

جمهوری اسلامی، داعش به عقب رانده شده است!

موزیک و رقص و شادی مردم و غیره و غیره، اینها همه نمونه هایی از بروز ظرفیت بالای جمهوری اسلامی در توحش و جنایت و سبوعیت است. داعش و جمهوری اسلامی "ز يك گوهرند". تنها تفاوت در اینجاست که جمهوری اسلامی با يك جامعه معترض و فعال مواجه است. جامعه ای که از ابتدا سلطه این تحجر قرون و ساطانی را نپذیرفته و در همه زمینه ها در برابر آن ایستاده است. جمهوری اسلامی داعش ای است که مبارزات مردم به آن افسار زده و آنرا به عقب رانده است*.

جمهوری اسلامی و داعش به دو شاخه مختلف و رقیب در جنبش اسلام سیاسی متعلق اند اما در درون جمهوری اسلامی داعشی نهفته است که بارها و در عرصه ها و مقاطع مختلف چهره هار و وحشی خود را به نمایش گذاشته است. یورش به دانشگاهها و به کردستان در بدو بقدرت رسیدن حکومت اسلامی، اعدامهای جمعی دهه شصت، قتلهای زنجیره ای، ارتکاب دهشتناک ترین جنایات و شکنجه ها در کهریزک ها و اوین ها و ده ها دخمه دیگر، شکستن رکورد اعدام در دنیا، تحمیل فاحش ترین بیحقوقی ها و تحقیر و اهانتها به زنان، خصومت با

۳۹۱۰۰ دلار جمع آوری شده و حداقل ۶۰۹۰۰ دلار دیگر لازم است هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم. ۳۹۱۰۰ دلار در طول سه هفته گذشته جمع آوری شده و امیدواریم به همت شما حداقل ۶۰۹۰۰ دلار دیگر نیز در هفته های آینده تامین شود. ضمن قدردانی عمیق از دوستانی که تاکنون کمک کرده اند، کلیه دستداران حزب و کانال جدید و همه مردم شریف و آزادیخواه را به پیوستن به این کمپین فرامیخوانیم. لیست کمک به کمپین ۱۰۰ هزار دلاری در هفته سوم نسرین رمضانعلی ۵۰۰ یورو شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۵۰۰ پوند رزگار رضائی ۵۰۰۰۰ کرون سیروس ایل بیگی ۱۵۰ یورو سوسن صابری ۱۰۰۰ کرون جمع آوری توسط شادی بهار ۱۴۰۰۰ کرون س _ ر از طریق عبدال ۲۰۰۰ دلار

کرون
جمی (تهران) ۱۰۰۰ دلار
کیمیا پازوکی ۵۰۰ کرون
سیامک بهاری ۱۰۰۰ کرون
دوستدار کانال جدید (استکهلم) ۱۲۰۰ کرون
صادق زندی ۱۰۰۰ کرون
دوستدار حزب ۶۰۰ کرون
پریسا سلیمی ۲۵۰۰ کرون
محمد کاظمی ۲۰۰ دلار
جمع آوری توسط شهاب بهرامی ۱۰۰۰۰ کرون
کمیته فرانکفورت حزب ۲۰۰ یورو
نوید محمدی ۱۰۰ یورو
داریوش صفا ۲۰۰ یورو
بابک یزدی ۵۰۰ دلار
ودا ایلکا ۱۰۰۰ کرون
ابی خطائی ۵۰۰ کرون
جمع کمک این هفته ۱۱۰۰۰ دلار
جمع کمک در سه هفته اخیر ۳۹۱۰۰ دلار

حزب کمونیست کارگری حزب شما است. حزب آمل و آرزوهای انسانی میلیونها نفر، حزب پرچمدار مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و معترضین به اعدام و جنایات حکومت اسلامی است. کانال جدید صدای اعتراض میلیونها زن به حجاب اسلامی، صدای اعتراض میلیونها کارگر به بی حقوقی همه آحاد جامعه در ایران و صدای جوانان معترضی است که شادی و رفاه و آزادی را حق خود میدانند. برای ادامه کاری کانال جدید و به منظور گسترش دادن به فعالیتهای حزب و کانال جدید، به کمک تک تک شما نیازمندیم. هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست. همه شما کسانی که ما را مورد تشویق قرار داده و قلبتان از دیدن پیشرویهای این حزب و این کانال به طیش در می آید، کمک کنید

به کمک مالی شما نیاز داریم!

کمپین دو ماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهایی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم. کمک های خود را میتوانید از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

مبارزه دارند تا صفوف خود را متحدتر و مستحکم تر کنند و به کانال جدید نیاز دارند تا صدای اعتراض خود را هر چه رساتر منعکس کنند. کارگران و زنان و جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، محکومین به اعدام و خانواده هایشان و در يك كلام بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و زحمتکش به این حزب و کانال نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر مبارزه برای احقاق حقوق خود را گسترش بدهند. ما مصممیم که فعالیت های خود را گسترش دهیم و به این منظور به کمک مالی شما نیازمندیم. از شما دعوت میکنیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید.

هر يك دلار کمک مالی شما صرف مبارزه برای نجات انسانها،

به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دستداران حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند. نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هر جا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است. مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز

اعتراض دانشجویان دانشگاه مراغه به خشکاندن دریاچه ارومیه

مردم آذربایجان میخواهد که به این اعتراض مهم زیست محیطی پیوندند. جمع آوری طومار اعتراضی در این رابطه قدم مهمی است که دانشجویان همه دانشگاهها میتوانند به آن دست بزنند. تنها راه دفاع از محیط زیست سالم، سازمان دادن اعتراضات وسیع در مقابل حکومت اسلامی است که مسبب اصلی خشک شدن دریاچه ارومیه است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ جون ۲۰۱۴ - ۲۸ خرداد ۱۳۹۳

حرکتی که در ارتباط با دریاچه ارومیه در آذربایجان صورت گرفته اعتراض خود را نسبت به برخورد امنیتی با برگزار کنندگان چنین حرکت های اعتراضی ابراز داشت. وی همچنین خواستار حمایت از برگزار کنندگان این حرکت ها گردید.

به دنبال پافشاری دانشجویان مبنی بر حضور مسئولان در این تجمع، رئیس دانشگاه مراغه ناچار شد در این تجمع حضور پیدا کند و ضمن حمایت از خواستههای دانشجویان، وعده ایجاد "گروه علمی مطالعاتی" در رابطه با دریاچه ارومیه با همکاری سایر دانشگاههای آذربایجان را در چند روز آینده داد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران از اعتراض بحق دانشجویان دانشگاه مراغه حمایت میکند و از همه دانشجویان دانشگاهها

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ۹۳ جمعی از دانشجویان دانشگاه مراغه با زدن ماسک هائی که بر روی آنها تصویر دریاچه ارومیه چاپ شده بود علیه سیاستهای رژیم در خشکاندن دریاچه ارومیه، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان با شعار "اورموگولو سوسوزدور" اعتراض خود را نسبت به بی توجهی مسئولان به خشکاندن دریاچه ارومیه نشان دادند. در ادامه این تجمع دانشجویان خواستار حضور رئیس دانشگاه در محل تجمع و پاسخگویی شدند.

در این تجمع یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی به تشریح وضعیت کنونی و عواقب خشک شدن آن پرداخته و خواستار رسیدگی هرچه سریعتر مسئولان به وضعیت وخیم دریاچه ارومیه شد. یکی از نمایندگان دانشجویان ضمن تشریح

تعقیب قضایی سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد

فشارها و تهدیدات بر روی فعالین و رهبران کارگری بایستیم.

حکم جلب سعید ترابیان باید فوراً لغو شود. فشار و تهدید بر روی فعالین و رهبران کارگری باید فوراً متوقف شود. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. ۲۰ ژوئن (سی خرداد) روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی در ایران است. به این مناسبت در کشورهای مختلف آکسیونهای اعتراضی سازمان یافته است. این روز فرصت مناسبی است برای اعلام همبستگی با کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در زندان. به هر شکل که میتوانیم در ایران و در خارج از کشور به این حرکت اعتراضی جهانی پیوندیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۹ خرداد ۱۳۹۳، ۱۹ ژوئن ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

رژیم اسلامی با در دست داشتن حکم مربوط به بازداشت سعید ترابیان به منزل او رفتند و به دلیل عدم حضور وی در منزل، پس از بازرسی برخی از لوازم شخصی از جمله کامپیوتر و گوشی تلفن وی را با خود بردند.

سعید ترابیان که در اعتراضات باشکوه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در سال ۸۴ بازداشت و پس از آن از کار اخراج شده بود، پس از اعتراضات بسیار سرانجام موفق شد که همراه با دیگر کارگران اخراجی سندیکا، در سال ۸۸ حکم بازگشت به کار دریافت کند و در شرکت واحد مشغول به کار شود.

سعید ترابیان در سال ۸۹ مجدداً از سوی نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و پس از حدود ۲ ماه با قرار کفالت و وثیقه آزاد شد. بدین ترتیب سعید ترابیان طی این سالها همچون دیگر فعالین معترض کارگری همواره زیر فشار و مورد تهدید به دستگیری قرار داشته است.

در این رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن تعقیب قضایی سعید ترابیان خواستار آزادی همه کارگران زندانی و رفع تعقیب از همه کارگران زندانی شده است. در کنار کارگران سندیکای شرکت واحد، جلوی این

اطلاعیه شماره ۱۹۶



بنا بر خبر منتشر شده سندیکای شرکت واحد، طی روزهای اخیر از سوی رژیم اسلامی حکم جلب سعید ترابیان از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد صادر شده و او باید خود به داسرا و قاضی ناظر زندان معرفی کند.

بنا بر همین خبر قبلاً نیز در شامگاه روز دهم اردیبهشت ساعتی بعد از دستگیری اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، مامورین اطلاعات

صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان باشیم

گفتگو با شیوا محبوبی سخنگو و سرور کاردار مسئول کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران



انترناسیونال: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران ۲۰ ژوئن را که برابر با ۳۰ خرداد است بعنوان روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کرده، و هر سال در این روز تظاهرات و برنامه های متعددی در شهرهای مختلف جهان برگزار می شود. امسال چه اقدامات و برنامه های معینی را در دستور دارید؟

سرور کاردار: با تشکر از شما. همانطور که می دانید مردم در ایران با یک رژیم اسلامی و ضد انسان روبرو و در تعارض قرار دارند. ۳۵ سال است که رژیم اسلامی بطور سیستماتیک به حقوق آنان تجاوز نموده و هر گونه صدای حق طلبانه مردم را در گلو خفه نموده و می نماید. در نتیجه، یک مبارزه بسیار گسترده و عمیق و انسانی در بطن جامعه بر علیه این بی حقوقی و سرکوب جریان دارد. گستردگی این مبارزات و عمق آن طبعاً رژیم را به وحشت انداخته و در وحشت از سرنگونی به سرکوبی وحشیانه خود شدت بیشتری بخشیده است. تعداد اعدامهای امسال نسبت به سال قبل دو برابر شده است. نمود چنین سرکوب وحشیانه را میتوان در گستردگی دستگیریها و به تبع آن در تعداد زندانیهای سیاسی و تعداد

اعتراض و تظاهرات در جهت حمایت از این عزیزان می باشد. جوابی که جامعه جهانی به این فراخوان میدهد در واقع مسیر اقدامات بعدی را مشخص میکند.

امسال نیز مثل سالهای قبل، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با سازماندهی شایسته این روز با تکیه به تجربیات قبلی با کیفیت بالاتری به میدان آمده است. کمیته توانسته است نزدیک به ۱۵ شهر در ۳ قاره جهان را در جهت برگزاری این روز سازماندهی نماید. تظاهرات و آکسیونهای خیابانی در همه این شهرها، جلسات سخنرانی، اجرای تئاتر خیابانی، اجرای موزیک، فیلم، پخش ویدئو کلیپ، راهپیمایی، حمایتهای رسمی نوشتاری افراد شناخته شده سیاسی، دریافت فراخوان حمایتی از داخل زندان و تبلیغ آن، تماس با مطبوعات، تماس با سازمانهای حقوق بشری، تماس با پارلمانهای کشورهای مختلف، دیدار و گزارش به پارلمان اروپا، دیدار با مسئول کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل آقای احمد شهید و همچنین اجرای برنامه های تلویزیونی متعدد، مصاحبه های متعدد، هم از طرف اعضای کمیته رو به جامعه جهانی و هم مصاحبه با شخصیتهای مهم و مطرح سیاسی در حمایت از زندانیان سیاسی، بخش اعظم این نوع فعالیتها در رابطه با ۳۰ خرداد ۱۳۹۳ برابر با ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴ بوده و خواهد بود.

انترناسیونال: انتظارات و توصیه های عملی تان برای کسانی که می خواهند به این حرکت بپیوندند و شهرشان را به لیست بلند شهرهایی که در این

روز برنامه دارند اضافه کنند چیست؟

سرور کاردار: ما به تمام سازمان ها، تشکل ها و شخصیت های مدافع زندانیان سیاسی نامه نوشتیم و از آنها دعوت کردیم در هر شکل و فرمی که می خواهند در این روز شرکت کنند. به اتحادیه ها و سازمانهای غیر ایرانی نامه ارسال نموده و با غفوبین الملل و چندین سازمان حقوق بشر جلسه برگزار کردیم. در سطح وسیعی ماتریال های صوتی، نوشتاری و تصویری را در دسترس مردم قرار دادیم. از طریق میدیای اجتماعی، از جمله توئیتر و فیس بوک، برنامه تلویزیونی کانال جدید، مصاحبه با زندانیان سیاسی و کارزار «من صدای او هستم»، چاپ کارت پستال های اعتراضی و غیره دست به تبلیغ زدیم. امسال نیز ما به روال سه سال گذشته با سازمانها، تشکل ها و شخصیت های مدافع آزادی زندانیان سیاسی تماس گرفته و از آنها دعوت کردیم که در برگزاری این روز شرکت نمایند. بسیاری به این فراخوان جواب مثبت داده اند و حمایت خود را با برگزاری آکسیون و تجمع و یا با ارسال ایمیل حمایتی از این روز اعلام کرده اند. از طریق رسانه های فارسی زبان برگزاری این روز و همچنین کلیپ های تهیه شده در حمایت از زندانیان سیاسی پخش شده است و چندین برنامه تلویزیونی ویژه در کانال جدید به این روز اختصاص داده شده است. تا حال شهرهای لندن، واشنگتن، لوس آنجلس، استکهلم، مالمو، گوتنبرگ، اسلو، هارشتاد، رومسالد، تورنتو، فرانکفورت، هانوفر،

آمستردام، آنکارا و برلین به برگزارکنندگان ۲۰ جون پیوسته اند. تعدادی از شخصیت های شناخته شده، از جمله شاهرخ زمانی و محمد جراحی، از رهبران کارگری، و پدر لقمان مرادی، فراخوان حمایت داده اند... تلاش ما امسال این است که مردم را با اسم و چهره تعداد بیشتری از زندانیان سیاسی آشنا کنیم.

طبعاً اگر مقایسه کنیم، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی - بیستم ژوئن، برابر با سی خرداد - امسال از سال گذشته بیشتر شناخته شده و وسیع تر مورد حمایت قرار گرفته است. این را باید در نظر داشته باشیم که امسال روز حمایت از زندانیان سیاسی در بحبوحه بحران اتمی رژیم انجام می گیرد که تبعات مثبت و منفی خود را دارد. رژیم از چندی پیش و از ترس اعتراضات مردم دست به سرکوب شدید بند ۳۵۰ اوین زد و همزمان به ماشین اعدام خود سرعت بیشتری بخشیده است. در این شرایط اعتراضات در حمایت از زندانیان سیاسی اهمیت ویژه ای در چرخاندن توازن قوا بنفع مردم و در محدود کردن رژیم در سرکوب و دستگیریهای این دوره دارد. به همین دلیل، اهمیت دارد که این روز گسترده تر از همیشه برگزار شود. اطلاع رسانی، همکاری، تقسیم تجربیات از طریق تماس با ما و تلاش در جهت درک این واقعیت که تشکل و با هم بودن برای انجام هر کار جدی و مهم که در این مورد خاص مستقیماً با جان انسانها رابطه دارد ضروری و حیاتی است. این مبارزه بدون

صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان باشیم

شک به پیروزی خواهد انجامید ولی با شرکت شما و سهمگذاری متشکل شما هزینه کمتری در بر خواهد داشت. وجود حتی یک زندانی غیر قابل قبول است و به طریق اولی سکوت و بی تفاوتی در مقابل قتل های دولتی جمهوری اسلامی ضد انسان و انسانیت غیر قابل توجیه است. به ما پیوندید تا طرحی نو در اندازیم.

انترناسیونال: لطفا از تاریخچه برگزاری این روز طی سه سال گذشته و نتایجی که داشته است برایمان بگوئید.

سرور کاردار: چند سال اخیر و بالاخص بدنبال خیزش مردم در سال ۲۰۰۹ مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ابعاد وسیعی خود را نشان داده است. فعالیت های متنوعی حول آزادی زندانیان سیاسی در نقاط مختلف دنیا از سوی افراد، تشکل ها و کارزارهای مختلف به پیش برده شده است که به جلب توجه افکار عمومی در سطح جهان به وضعیت زندانیان سیاسی کمک موثری کرده است. این فعالیت ها اما بصورت یکصدا و هماهنگ و در بعدی وسیع صورت نگرفته اند، و در نتیجه این تلاش ها در سطح جهانی در سطحی که شایسته آن است منعکس نشده اند. در جواب به ضرورت سازماندهی یک همبستگی جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی در ایران و هماهنگ کردن یک صدای جهانی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در سال ۲۰۱۰ روز بیستم ژوئن را که برابر با سی خرداد می باشد بعنوان روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی اعلام کرد و از تمامی افراد، تشکل ها و احزاب مدافع آزادی زندانیان سیاسی دعوت کرد که علیرغم اختلافات فکری

پارلمان اروپا نیز ملاقات داشتیم. رئیس یکی از بزرگترین سازمان های علیه شکنجه در مورد این روز در پارلمان انگلیس صحبت کرد و رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان نیز از آن پشتیبانی کرد. سال ۲۰۱۳ نیز ما به روال سال های گذشته با سازمان ها، تشکل ها و شخصیت های مدافع آزادی زندانیان سیاسی تماس گرفته و از آنها دعوت کردیم در برگزاری این روز شرکت نمایند. بسیاری به این فراخوان جواب دادند و حمایت خود را با برگزاری آکسیون و تجمع و یا با ارسال ایمیل حمایتی از این روز اعلام داشتند. از طریق رسانه های فارسی زبان برگزاری این روز و همچنین کلیپ های تهیه شده در حمایت از زندانیان سیاسی و کودکان زندانیان سیاسی پخش شد و سه برنامه تلویزیونی ویژه در کانال جدید به این روز اختصاص داده شد. تعدادی از شخصیت های شناخته شده، از جمله آبه ماکاتو فعال سرشناس عرصه حمایت از کارگران مهاجر و پناهجویان و نایب رئیس اتحادیه مهندسان توکیو، سارا شور، یکی از کوهنوردان آمریکائی که در ایران دستگیر شد، و پدر زانیار مرادی، از این روز حمایت کردند. از داخل زندان نیز پیام حمایت از این روز ارسال گردید. کارت پستالی در حمایت از کودکان زندانیان سیاسی تهیه شد که در بیستم ژوئن در کشورهای مختلف در دسترس مردم قرار گرفت. سه سال گذشته، ۲۰ ژوئن و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران توانست جایگاه شایسته خود را در میان مجامع سیاسی و حقوق بشری باز و خود را تثبیت نماید. مهمتر از همه، کمیته توانست از دیوارهای ضخیم و بلند سیاهچالهای رژیم عبور کرده و به داخل زندان و کشور راه پیدا کند. حمایت جوانان مازندران با پیام کتبی کوبنده در حمایت از ۲۰ ژوئن و نیز پیام ۴۷ نفر از زندانیان سیاسی از زندان اوین و رجانی

شهر تائیدی است بر این مدعا. امسال ما با اطمینان و اعتماد بنفس بیشتری به استقبال این روز می رویم.

انترناسیونال: علاوه بر برگزاری روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، کمیته شما کمپین های موفق مانند "من صدای او هستم" و "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد"، داشته است، که ادامه دارند. لطفا کمی درباره این کمپین ها و فعالیت های دیگر کمیته برای خوانندگان ما بگوئید.

شیوا محبوبی: کمپین "من صدای او هستم" از سال ۲۰۱۰ و کمپین "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" را از اکتبر ۲۰۱۳ شروع کرده ایم و همانطور که اشاره کردید هنوز ادامه دارند. ما تلاشمان اینست که در مقاطع مختلف از ابتکاراتی برای جلب توجه افکار عمومی دنیا به زندانیان سیاسی در ایران جلب کنیم؛ در عین حال اعلام این کمپینها و همینطور اعلام ۳۰ خرداد روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی جواب به ضرورتهایی در عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بوده است. کمپین «من صدای او هستم» تلاش کرده است که ارتباط احساسی بین زندانی و مردم در نقاط مختلف دنیا برقرار کند، اخبار و طومار حمایتی و نامه اعتراضی در بیاورد، به آن چهره بدهد، زندگی و علائقش را به مردم بشناساند و جوانب زندگی و شخصیت و فعالیتشان را به خانه ها و قلبهای مردم ببرد تا مردم با شخصیت زندانی آشنا شده، دردشان و امید و آرزوشان را احساس کنند و صدای آنها را از آن خود کنند و از آنها حمایت کنند. ما با این کمپین از مردم خواسته ایم صدای یک زندانی سیاسی باشند. این کمپین موفق بود و در اشکال مختلف صورت گرفته است از جمله در ابتدای اعلام، کمپین ما با سیزده هفته مداوم تهیه کلیپ و ارسال نامه به سازمانهای جهانی

به زبان فارسی و انگلیسی در مورد سیزده زندانی شروع گردید. این اقدام سیزده هفتگی با همکاری فعال سازمان «میشن فری ایران» که مدافع زندانیان سیاسی هستند صورت گرفت. این سیزده هفته توانست توجه مردم را تا حدی به خود جلب کند. در ادامه این کمپین، ما کارت پستالی تهیه کردیم که به صورت نامه اعتراضی بود و در سال ۲۰۱۱ حدود سه هزار از این کارت پستالها توسط مردم امضا شده به سازمان ملل ارسال گردید. با شخصیتهای مدافع حقوق انسانی تماس گرفتیم و از آنها خواستیم صدای یک زندانی باشند و چند نفر، از جمله دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت و رئیس یکی از بزرگترین سازمانهای ضد شکنجه دنیا، در این کلیپ شرکت کردند. در برخی شهرهای اروپائی میزهای اطلاع رسانی "من صدای او هستم" را برگزار کردیم. ابتکار دیگر ما ساخت یک کلیپی بود به اسم "۳۳ صدا" که به طور سمبلیک ۳۳ نفر از دوستان و فامیلهای زندانیان سیاسی به اعتراض به ۳۳ سال جنایت رژیم صدای عزیزانشان بودند. پس از آن در جاهای مختلف، مردم، از جمله افرادی که ایرانی نبودند، کلیپهایی تهیه میکردند و صدای یک زندانی سیاسی میشدند. به یک معنی این کمپین موفق شد به مردم این انگیزه را بدهد که به زندانیان صدا بدهند یا بهتر بگویم صدای رسای زندانیان را رساتر منعکس کنند. پس از دریافت گزارشات زیادی از زندانیان و اخبار مربوط به محرومیت زندانیان از دارو و درمان و در ادامه ملاقاتمان با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲، به این نتیجه رسیدیم که محرومیت زندانیان از درمان یک اتفاق معمولی نیست بلکه یک شکنجه سیستماتیک و هدفمند رژیم، بالاخص در چند سال اخیر، برای کشتن این زندانیان بدور از چشم مردم جهان است. ما به این عمل

صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان باشیم

رژیم "مرگ خاموش" و یا "اعدام خاموش" میگوئیم. به همین دلیل "نگذارید قلبشان از تپ باز ایستد" را در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۳ اعلام کردیم تا توجه جهانیان را به این موضوع جلب نمائیم و بگوئیم از آنجائیکه رژیم با هر حکم اعدام زندانی سیاسی با کمپینهای جهانی روبرو میشود و عقب نشینی میکند، سعی می کند از متد کشتن زندانیان با محروم کردنشان از دارو و درمان استفاده کند. ابتدا ما این کمپین را با دو ماه فشرده شروع کردیم، از ۱۰ اکتبر ۲۰۱۳ الی ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ هر روز اسم، عکس و مشخصات یک زندانی محروم از درمان را به فارسی و انگلیسی روی ویلاگها و میدیای اجتماعی منتشر میکردیم. دست به جمع آوری اسامی زندانیان زدیم به طوری که خود زندانیان برای ما اسامی ارسال میکردند. گزارشات مفصلی تهیه کردیم و با اتحادیه اروپا و چندین دول غربی، عفو بین الملل، سازمانهای جهانی ملاقات داشتیم و این گزارش را به آنها ارائه دادیم. این گزارش از طریق کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپینهای که با آنها کار میکنیم در سطح وسیعی پخش شده است. از بند ۳۵۰ زندان اوین و زندان رجائی شهر زندانیان سیاسی نامه در حمایت از کمپین "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" ارسال کردند. طوماری نیز در این رابطه تهیه کردیم که هنوز ادامه دارد. بنابر ضرورت این مسئله، امسال ۳۰ خرداد روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را به بیماران محروم از دارو و درمان اختصاص دادیم.

ما معمولاً از روزهای جهانی به عنوان فرصتی استفاده کرده تا وضعیت زندانیان را مطرح کنیم. برای مثال در روز والتاین روز عشا (روز عشاق) ما در تعدادی از کشورها حرکتیهای سمبلیکی در حمایت از زندانیان محروم از درمان و جهت جلب توجه مردم به این وضعیت برگزار کردیم. در حال حاضر این کمپین اولویت ما است.

ابتکار دیگر ما در ایام نوروز بود که کمپینی برای ارسال نامه به زندانها برگزار کردیم و از مردم خواستیم به زندانیان نامه بنویسند. کار لایستی معمولاً بخش مهم و دائمی کار ما در کمیته است. ما از طریق کمپینهای مشخص لابی کردن سازمانها و دولتها را غالباً به پیش میبریم. یک بخش مهم کار ما در عین حال دفاع از خانواده زندانیان سیاسی است. از طریق برنامه تلویزیونیمان با آنها مصاحبه کرده و تحت آزار قرار دادنشان توسط رژیم را در گزارشاتمان ارائه میدهم. یکی از اقدامات ما در ۳۰ خرداد - روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی - در سال ۲۰۱۳ مطرح کردن وضعیت کودکان زندانیان سیاسی بود. ما تم سال ۲۰۱۳ را به این کودکان اختصاص دادیم و تلاش کردیم در مورد این کودکان که متأسفانه در گزارشها و آمار و ارقام اسمی از آنها نامی برده نمیشود اما تحت بیشترین فشار روانی هستند و رشد و شکوفائی شان بشدت تحت تاثیر قرار گرفته است خبر رسانی کنیم.

انترناسیونال: وضعیت حاضر زندانیان سیاسی در ایران را چگونه توصیف می کنید؟

شیوا محبوبی: وضعیت زندانیان سیاسی در ایران به همان اسفناکی قبل است. زندانی را در اشکال مختلف شکنجه روانی و جسمی میکنند. علاوه بر شکنجه های همیشگی، زندانی را از دارو و درمان

محروم کرده، بجای معالجه، به داروهای مرفین دار معتاد میکنند، به زندانهای دوردست و به زندانهای عادی که شرایط غیر قابل تحمل تری دارند تبعید میکنند، خانواده هایشان را مورد شکنجه، تهدید و اذیت و آزار قرار میدهند، از لحاظ فضای زندان تعداد بسیار زیادی را در یک جا با دسترسی بسیار محدود به حمام و وسایل بهداشتی نگهداری میکنند، به بندها وحشیانه یورش میبرند و زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند، در مواردی بنابر اظهارات خود زندانیان به زندانی مواد مخدر داده میشود تا معتاد شود، دستگاههای پارازیت در زندانها وصل میکنند که عوارض آن باعث

سردرد های شدید و ضربه به سیستم عصبی میشود، به زندانی فشار میاورند تا در ازای دریافت امکانات درمانی مصاحبه تلویزیونی کند. در مواردی خانواده زندانی را جهت گرفتن اعتراف در برابر چشمان زندانی شکنجه کرده اند. ما تلاش داریم در عین مبارزه وسیع برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، از هر فرصتی جهت فشار آوردن به رژیم جهت توقف شکنجه و اعدام استفاده کنیم. هر اعتراض و افشاگری که در رابطه با جنایات رژیم در زندانها صورت میگیرد، هر طوماری که امضا میشود، هر خبررسانی از وضعیت زندانیان، دست رژیم را در شکنجه و کشتن و اذیت و

آزار زندانی و خانواده اش محدودتر میکند، و به همان میزان قدرت سرکوب و دستگیری او را در جامعه کاهش میدهد. به همین دلیل روز ۳۰ خرداد - بیستم ژوئن، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی - بهترین فرصت برای تقویت همبستگی جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی و بی آبرو کردن رژیم و تحت فشار قرار دادنش میباشد*.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:
فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی
این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود

گفتگو رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

۲۰ سال پس از ۳۰ خرداد ۶۰



کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت میگیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدامهای حکومت اسلامی اساسا از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند. کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد. همان کسانی را زدند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست...

رادیو انترناسیونال: یعنی

جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه‌های چپی بودند، تظاهرات انجام میشد، و علیرغم دستگیریها و جنگ و جدال با چماقدارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

منصور حکمت: این یک

کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد.

صفحه ۱۳

لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراها کارگری بوجود می آیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود می آیند، موج اعتراضی بالا میگیرد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی صورت میگیرد. هجوم می آورند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامهها را میبندند و مخالفینشان را تار و مار میکنند. این آن پدیده‌ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولتهای دست راستی سعی

صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در رویی نظامی شکست میدهند. اما ماحصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ میگذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتا باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعا سرکوب کند، هر چند چماقداری هست، چاقو کشی هست، اسلام‌گیری هست. خلغالی همان موقع برای رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلاي مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سر درمی آورند، کتابهای مارکس و

با شکنجه‌هایش بپاخواستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیتهای سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها بپاخواستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌های از جامعه ایران بود، پر و بال میگیرد. یکی از شخصیتهای این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمیدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولتهای غربی وسیعا جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هوپیزر از طرف دولت آمریکا می آید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به

۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰
۲۳ خرداد ۱۳۷۹

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتا نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملا با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود به ۳۰ خرداد وصل کرده‌اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده‌ای از آن دوران ندارند، حتما آن تاریخ را بازبینی کنند) میبیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش،

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب

۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور

۰۰۴۴۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,

127 02 Skärholmen - Sweden

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود

مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبردند همان شب میکشیدند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشنند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

منصور حکمت، جناح‌بندی

همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان میبینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صفت‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند. دولت آن‌موقع دست این خط امامی‌ها بود. منظورم کابینه است. همان‌طور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافل است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دموکرات شده‌اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه‌ای.

این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان يك مرتجع مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان خودشان را ببندند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبردند همان شب میکشیدند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشنند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

رادیو انترناسیونال:

رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع،

جلاد و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت شود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگهدارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

رادیو انترناسیونال: آیا

میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ابد! دوم

خردادها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاه‌هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیر خودی را تعریف میکنند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و

۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی‌ها یا بیرون میگردد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس‌آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه‌های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میدانند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتوان علفی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

رادیو انترناسیونال: حزب

کمونیست کارگری يك کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانباختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت: فکر

میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری

اسلامی که امروز سر کار است محصول يك جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس‌اند، در کابینه‌اند، رئیس قوه قضائیه‌اند، رهبرند، رئیس ارتش‌اند، سران سپاه پاسداران‌اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه‌های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت‌هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه‌ای و رفسنجانی و گیلانی، و همه کسانی است که در این روند نقش داشته‌اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.*

به نقل از انترناسیونال هفتگی

شماره ۵۸

۲۵ خرداد ۱۳۸۰

۱۵ ژوئن ۲۰۰۱



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه‌ها منتشر می‌شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

لیست محل و زمان های برگزاری

مراسم ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

۳۰ خرداد ۱۳۹۳ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد



زمان: یکشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۳

مکان: لندن - واشنگتن - لوس آنجلس - استکهلم - مالمو - گوتنبرگ - اسلو - هارشتاد - رومسدا - تورنتو - برلین - فرانکفورت - هانوفر - آمستردام - آنکارا...

زمان: یکشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۳
مکان: 2209 Wisconsin Avenue NW
تماس: ماریا روحالی ۲۴۰-۵۹۵-۲۶۳۳
برگزارکننده: میسن فری ایران

لوس آنجلس:
زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۳۰
مکان: جلو ساختمان فدرال
تماس: فرخ پیرنیا ۰۰۱-۸۱۸۶۲۵۸۴۱۰
برگزارکننده: نهاد مردمی piriiaf@yahoo.co.uk

سوئد:
زمان: پنجشنبه ۱۹ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۷ تا ۱۹
مکان: Mynt Target
مینت توریست
تماس: ودا ایلکا ۷۶۲۷۷۴۲۰۸۱
veda.ilka@yahoo.se
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مالمو:
مکان: روی پل Davidhallsbron
زمان: ۲۰ یونی، ساعت ۱۷ تا ۱۸
تماس: شهاب بهرامی bahramishahab0@gmail.com
امیر آینه چی ۰۰۴۶-۷۶۲۳۹۵۳۱۲
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

زمان: شنبه ۲۱ ژوئن ۲۰۱۴
مکان: ساعت ۳ الی ۵ تجمع و تئاتر خیابانی مقابل پارلمان و سپس حرکت به سوی محل برگزاری سخنرانی ساعت ۶ الی ۱۰ شب
University of London Union, Malet St., London WC1E 7HY, Room 3E-3rd Floor

تماس: علیرضا رشیدی ۰۷۷۱۲۸۱۰۶۷۵
شیوا محبوبی ۰۷۵۷۲۳۵۶۶۶۱
سیروان قادری ۰۷۴۴۶۱۳۵۸۵۷

شماره تماسهای بعدی اعلام خواهد شد
برگزارکننده: کمیته برگزارکننده بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

آمریکا
واشنگتن:

گوتنبرگ:

زمان: ۱۹ جون ۲۰۱۴
ساعت: ۱۷

مکان: برونیارکن
تماس: عبدالله اسدی ۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹
نوید مینائی ۰۷۳۶۴۸۵۱۱۷

برگزارکننده: حزب کمونیست کارگری، حزب کمونیست کارگری حکمتیست و حزب کمونیست ایران

نروژ:

اسلو:

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۷ تا ۱۹
مکان: مقابل پارلمان
تماس: ۰۰۴۷-۴۶۲۲۶۲۳۵
پیمان کاوسی peiman.kawosi@gmail.com
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

هارشتاد:
زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۴ تا ۱۵
مکان: میدان مرکزی
تماس: سهیلا پورعابدین 98012720 47+
+۴۷۹۸۰۱۲۷۲۰
soheila.pourabedin@facebook.com
برگزارکننده: حامیان مادران پارک لاله

کمون Møre- Romsdal Tingvoll:
مکان: مقابل coop tingvoll
زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۷ تا ۱۹
تماس: امیرعلی مهدیپور ۰۰۴۷-۴۵۶۸۶۶۷۶
amirmehdipour@gmail.com
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۸ تا ۲۰
مکان: مرکز شهر
تماس: ناصر کشکولی ۰۰۴۹-۱۷۷۸۳۴۸۵۹۲

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴
ساعت: ۱۷ تا ۱۹
تماس: امیرعلی مهدیپور ۰۰۴۷-۴۵۶۸۶۶۷۶
amirmehdipour@gmail.com
برگزارکننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

هلند:

آمستردام:

زمان: شنبه ۲۱ ژوئن

ساعت: ۱۴ تا ۱۶

مکان: میدان

beursplein, Amsterdam isj

تماس:

۰۰۳۱-۶۸۴۲۹۹۵۳۴

فرزام کرباسی

far-zam.karbasi@gmail.com

ترکیه:

آنکارا:

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

ساعت: ۱۴ تا ۱۷

مکان:

Ankara RisisS OTEL

آدرس:

Libya Cd. NO.30 Kizilay/Ankara

تماس:

۰۰۹۰۵۳۷۷۸۹۳۴۶۲۷

فرشته ناجی حبیب زاده

najifereshteh47@gmail.com

برگزارکننده: بنیاد نوروز

جهت هماهنگی از شما تقاضا

میکم با هماهنگی کننده برگزاری

روز جهانی حمایت از زندانیان

سیاسی علیرضا سربازی تماس

برقرار نمائید.

علیرضا سربازی

تلفن تماس:

۰۰۴۱۷۸۸۸۱۳۵۶۸

ایمیل تماس:

alireza@swissmail.com

freepoliticalprisoners@gmail.com

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به

وبلاگ بیستم ژوئن مراجعه نمایید.

http://20juneirah.wordpress.com/

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان

سیاسی در ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهرام سروش

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود